به نام دوست

پاسخ تدبرها و تمرین های کتاب دین و زندگی دوازدهم

درس اول: هستی بخش

تدبر در قرآن(۱) صفحه ی ۸

پس از ترجمهٔ آیهٔ شریفهٔ زیر، در آن تدبر کنید و به سؤالات طرح شده پاسخ دهید.

یا اَیُّها النّاسُ .....

اَنتُمُ الفُقَراءُ إِلیَ اللّهِ .....

وَ اللّهُ هُوَ الغَنیِ الحَمیدُ .....

۱- نیاز انسان به خدا شامل چه چیزهایی می شود؟

۲- چرا خداوند می تواند نیاز انسان و هر موجود دیگری را برطرف کند؟

با اینکه آیهٔ ۱۵ سورهٔ فاطر خطاب به مردم است، اما مردم به عنوان مصداق و نمونه‌ای از مخلوقات خداوند مورد نظر است و وقتی در آیه می‌خوانیم که «ای مردم شما فقیر الی الله هستید»، گویای ویژگی هر مخلوقی است. با توجه به این نکته پاسخ پرسش ها بدین قرار است:

۱.انسان هر چه دارد از خدا دارد و تمام داشته هایش از خداست.بالاترین داشته انسان همان نعمت وجود است که خدا به او عطا کرده است. از این رو انسان در هستی خود به خدا نیازمند است و این نیاز همواره و در هر آن است و هیچ‌گاه قطع یا کم نمی‌شود.سایر داشته های انسان که همه برآمده از نعمت وجود است نیز همه نیازمند و وابسته به لطف خداست و اگر خدا هر لحظه اراده کند می تواند آن را از انسان بگیرد.بنابر این انسان سر تا پا نیازمند خداوند است.

۲.هر موجودی غیر خداوند، خود نیازمند است و باید شخص دیگری نیاز او را برطرف کند اما چون خداوند بی‌نیاز مطلق است(هو الغنی) و به هیچ چیز وابسته نیست می‌تواند نیاز هر موجود دیگری را برطرف کند.

ای همه هستی ز تو پیدا شده — خاک ضعیف از تو توانا شده

زیر نشین علمت کائنات — ما به تو قائم چه تو قائم به **ذات**

تدبر در قرآن(۲) صفحه ی ۱۰

در آیهٔ زیر تدبر کنید و به سؤالات پاسخ دهید.

يَسأَلُهُ مَن فِي السَّماواتِ وَ الأَرضِ آنچه در آسمان و زمین هستند، پیوسته از او درخواست می کند.

كُلَّ يَومٍ هُوَ فِي شَأنٍ[1] اوهمواره دست اندرکار امری است

۱- چرا موجودات پیوسته از خداوند درخواست دارند؟

۲- چرا خداوند هر لحظه دست اند کار امری است؟

۱.چون همه موجودات برای لحظه لحظه وجود خود محتاج و نیازمند خدایند و اگر خداوند لحظه ای آنان را به حال خود واگذارد همه نیست و نابود می شوند. همچون منبع نوری که اگر یک لحظه نور افشانی نکند پرتوهای نور از بین خواهند رفت.

دبیران محترم توجه داشته باشند که همان طور که علامه در المیزان ذیل تفسیر این آیه می فرماید، منظور از درخواست تمامی آسمانیان و زمینیان از خداوند، درخواست به زبان نیست بلکه درخواست به احتیاج است، چون احتیاج خودش زبان است و معلوم است که موجودات زمین و آسمان از تمامی جهات، محتاج خدایند.

تعبیر یسأله که فعل مضارع است می رساند که این سوال و تقاضا دائمی است و موجودات همواره با زبان حال محتاج اویند

۲.نیازهای دائمی موجودات لطف و فیض دائمی را طلب می‌کند، او هر لحظه دارای فیضی جدید و مستمر برای آفریده‌ها است. چنین نیست که خداوند، عالم را آفریده و آن را به حال خود رها کرده باشد بلکه همواره امور هستی را تدبیر و اداره می‌کند. بنابر این او هر لحظه دست اندر کار امری است.

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

تفکر در حدیث ص ۱۲

امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام می فرماید:

ما رَأَیتُ شَیئًا اِلّا وَ رَأَیتُ اللهَ قَبلَه و وَ بَعدَه و وَ مَعَه [۱]

به نظر شما پیام این حدیث چیست؟ مقصود امیرالمؤمنین از اینکه می‌فرماید قبل و بعد و همراه هر چیزی خدا را دیدم چه می‌باشد؟

یعنی خداوند بی پایان بر تمام جهان احاطه دارد (هو الاول و الاخر و الظاهر و الباطن، حدید، ۳) و همه جا حضور دارد و این حضور چنان نزدیک است که جدا انگاری مخلوقات از خدا امری نا ممکن است. یعنی هم در دل تک تک ذرات عالم حضور دارد(هو معکم اینما کنتم) و هم خارج از آنها.از این رو انسان اگر اهل تفکر و تقوا باشد به لطف الهی به مقامی می رسد که در همه چیز خدا را می بیند. یعنی تمام اشیا، مظهر و آیه و نشان‌دهندهٔ خدا هستند و آیهٔ ماورای خود را نشان می‌دهد نه خود را.

مقصود امیر المومنین از عبارت قبله و معه و بعده:

دبیران محترم توجه داشته باشند که تعبیر« رأیت الله قبله»، اشاره به این نکته دارد که آن حضرت با نگاه دقیق خود وقتی به اشیای پیرامون خود می نگرند در می یابند که همه این اشیا پدیده هایی هستند که قبلا نبوده اند پس حتما علتی آن ها را به وجود آورده است، پس پی به خالق آن می برد و تعبیر «معه» اشاره به این دارد که آن حضرت وقتی می نگرند که این شیء سر تا سر نیاز و فقیر در حال حاضر وجود دارد پس در می یابد که بقای آن مرهون خداست و تعبیر «بعده» اشاره به این دارد که ایشان وقتی می بینند که این شیء بعد از مدتی از بین رفت می دانند که تنها خداست که خالق موت و حیات است پس در فنای شی ء نیز باز خدا را مشاهده می کنند.

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

اندیشه و تحقیق ص ۱۴

با توجه به شباهت‌های ظاهری رابطهٔ خدا و جهان با رابطهٔ ساعت‌ساز و ساعت، تفاوت‌های این دو رابطه را بنویسید

۱. وجود جهان از خداست اما وجود ساعت از ساعت‌ساز نیست و او فقط اجزای ساعت را تنظیم می‌کند.

۲. دوام و بقای ساعت، وابسته به ساعت‌ساز نیست اما بقای جهان وابسته به خداوند است.

www.rejvagroup.com

✹ نوع رابطهٔ خدا با مخلوقات، رابطهٔ علت با معلول است. برای معلول بدون علت حتی لحظه‌ای امکان بقا

درس دوم : یگانهٔ بی همتا

تدبر در قرآن(۱) ص ۱۹

الف)با توجه به اهمیت سورهٔ توحید و جایگاه آن در قرآن کریم، در آیات این سوره تدبّر کنید و پیام‌های آن را به‌دست آورید.

بِسمِ اللَّهِ الرَّحْمانِ الرَّحِيمِ ❁قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ(۱) اللَّهُ الصَّمَدُ(۲) لَمْ يَلِدْ وَ لَمْ يُولَدْ(۳) وَ لَمْ يَكُن لَّهُ كُفُوًا أَحَدٌ (۴)

۱-(**قل هو الله احد**): اشاره به یگانگی خدا دارد. (دانش آموز در تدبر بعدی متوجه می شود که این یگانگی هم شامل یگانگی در خالقیت می شود،هم در مالکیت، هم در ولایت و هم در ربوبیت)

۲-(**الله الصمد**): صمد در لغت به دو معناست: اول به معنای شخص بزرگی است که نیازمندان برای رفع نیاز خود به سوی او می روند و دوم به معنای چیزی است که توخالی نیست بلکه پر است. با توجه به این مطلب، معنای صمد در این آیه این است که خداوند غنی ای است(از هر جهت پر و کامل است) که تمام مخلوقات جهت رفع نیاز خود رو به سوی او دارند و همه در همهٔ امورشان به او محتاجند. بنابر این پیام های برآمده از این آیه عبارتند از این که :

اولاً خداوند از هر جهت کامل و بی نیاز است. ثانیا تنها خداوند است که سزاوار قصد کردن و برطرف کردن نیاز مخلوقات است ثالثا توجه تمام موجودات خواسته یا ناخواسته به سوی خداست.

۳- (**لم یلد و لم یولد**): رابطهٔ خداوند با موجودات، رابطهٔ آفرینش است نه زایش. او موجودات را می آفریند یعنی از نیستی به هستی می آورد نه آنکه خود بزاید (لم یلد)

خداوند علتی ندارد و از چیزی به وجود نیامده است. مولود، معلول است و نمی تواند خدا باشد (ولم یولد)

۴-**(ولم یکن له کفواً احد):** کفو به معنای هم طراز در مقام و منزلت است و در این آیه هر گونه هم طرازی سایر موجودات با خداوند چه در ذات او، چه در صفات و چه در افعال نفی می شود.به عبارت دیگر معنای این آیه این است که خداوند هیچ همتا و شبیهی ندارد .

توجه:از مجموع این سه تعبیر که در آیه (لم یلد و لم یولد و لم یکن له کفوا احد) آمده است و با توجه به آنچه در درس اول خواندیم از این آیه برداشت می شود که خداوند پدیده نیست و نیازی به پدید آورنده ندارد بلکه او تنها پدید آورنده ای است که تمام جهان، هستی خود را از او می گیرند.

ب) بعد از ترجمهٔ آیه ۱۶ سورهٔ رعد، به سوالات زیر پاسخ دهید:

۱ــ کسی را می‌توانیم به عنوان ولی و سرپرست خود انتخاب کنیم که که خالق جهان است(قل الله) .
۲ــ کسی که اختیار سود و زیان خود را ندارد، نمی‌تواند ولی و سرپرست مردم باشد.
۳- در چه صورت جا داشت که مردم در اعتقاد به توحید در شک بیفتند؟اگر آنچه را که مشرکان شریک خدا قرار می دهند، همچون خدا مخلوقاتی خلق کرده بودند در این صورت جا داشت که انسان به شک بیفتد و به خدایان دیگر نیز معتقد شود

تدبر در قرآن(۲) ص ۲۳

به آیات «تدبّر در قرآن» ابتدای درس مراجعه کرده و مراتب توحید یا شرک را در عبارات آن مشخص کنید.

- قل هو الله احد= همه مراتب توحید(توحید در خالقیت، مالکیت، ولایت و ربوبیت)
- الله الصمد= این آیه به یکی از صفات خدا پرداخته و اشاره ای به بحث مراتب توحید ندارد.
- لم یلد ولم یولد= این آیه اشاره ای به مراتب توحید و شرک ندارد.
- ولم یکن له کفواً احد= همه مراتب توحید(توحید در خالقیت، مالکیت، ولایت و ربوبیت)
- قل من رب السماوات و الارض= توحید در ربوبیت
- قل افاتخذتم من دونه اولیاء= شرک در ولایت
- ام جعلوا لله شرکاء خلقوا کخلقه فتشابه الخلق علیهم= شرک در خالقیت
- قل الله خالق کل شیء= توحید در خالقیت

درس سوم: توحید و سبک زندگی

تدبر در قرآن(۱) ص ۳۱

پس از ترجمهٔ آیهٔ زیر، با تدبر در آن به سؤالات پاسخ دهید.

إِنَّ اللهَ رَبّی وَ رَبُّکُم .....

فَاعبُدوهُ .....

هٰذا صِراطٌ مُستَقیمٌ [۱] .....

۱ـ نتیجه اعتقاد به توحید در ربوبیت چیست؟ کسی که فقط خداوند را به عنوان پروردگار (رب)هستی قبول دارد، تنها او را عبادت و پرستش می‌کند و از پرستش غیر او خودداری می کند.

(توجه شود که حرف فاء در کلمه فاعبدوه، فاء نتیجه هست . لذا اعبدوا نتیجه ان الله ربی و ربکم هست. یعنی کسی که خدا را به عنوان رب قبول دارد پس باید او را عبادت کند.یعنی نتیجه این اعتقاد، پرستش خداست.آیت الله جوادی آملی در این باره می فرمایند: اگر جز خدا ربی در عالم نیست، جز او معبودی نیز وجود ندارد؛ زیرا اگر منشأ عبادت، هراس از ضرر و ترک تدبیر و انعام، یا طمع و شوق دریافت عطا باشد، تنها نسبت به پرورنده و مبدأ تدبیر رواست، چنان چه اگر منشأ آن، شوق دیدار معبود باشد، باز هم درباره منعم و مبدأ کمال صادق است.) [۱]

۲ـ راه درست زندگی کدام است؟

راه درست زندگی یا همان صراط مستقیم، عبادت و بندگی خداست.

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

با توجه به آیهٔ زیر به سؤالات پاسخ دهید:

وَ مِنَ النَّاسِ مَن يَعْبُدُ اللَّهَ عَلَىٰ حَرْفٍ [۲] — از مردم کسی هست که خدا را بر یک جانب و کناره‌ای [تنها بزبان و هنگام وسعت و آسودگی] عبادت و بندگی میکند،

فَإِنْ أَصَابَهُ خَيْرٌ اطْمَأَنَّ بِهِ — پس اگر خیری به او رسد، دلش به آن آرام می گیرد

وَ إِنْ أَصَابَتْهُ فِتْنَةٌ انقَلَبَ عَلَىٰ وَجْهِهِ — و اگر بلایی به او رسد، از خدا رویگردان می شود.

خَسِرَ الدُّنْيَا وَ الآخِرَةَ ذَٰلِكَ هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِين [۳] — او در دنیا و آخرت، هر دو زیان می بیند. این همان زیان آشکار است.»

نکته: علامه طباطبایی در ذیل این آیه می فرماید عبادت و بندگی این گونه افراد در صورتي است که پرستش خدا خیر دنیا برایشان داشته باشد و معلوم است که لازمه این طور پرستش این است که دین را براي دنیا استخدام کنند اگر سودي مادي داشت پرستش خدا را استمرار می دهند و بدان دل می بندند اما اگر دچار فتنه و امتحان شوند از دین روي بر می گردانند.

هم چنین این فرمایش امام حسین علیه‌السلام که می فرمایند: النَّاسُ عَبِيدُ الدُّنْيَا ، وَ الدِّينُ لَعِقٌ عَلَي أَلْسِنَتِهِمْ ، يَحُوطُونَهُ مَا دَرَّتْ مَعَايِشُهُمْ ، فَإِذَا مُحِّصُوا بِالْبَلَاءِ قَلَّ الدَّيَّانُون. [۱]

می تواند ما را در تبیین مفهوم "ومن الناس یعبد الله علی حرف" توانمند تر کند. با توجه به این نکته پاسخ تفصیلی سوالات به شرح ذیل خواهد بود:

۱ – پرستشی که از روی ایمان باشد با پرستشی که از روی تردید باشد، چه تفاوتی دارد؟

پرستشی که از روی ایمان باشد، پرستشی ثابت و پایدار است یعنی فرد در هر شرایطی چه در خوشی و چه در راحتی، چه در تنگنا و چه در آسایش، دست از پرستش خداوند بر نمی دارد اما پرستشی که از روی تردید باشد مقطعی و سطحی است و حوادث تلخ و شیرین آن را تغییر می‌دهد. یعنی وقتی خیری به فرد می‌رسد خدا را عبادت و بندگی می کند و هنگامی که سختی و شری به وی می‌رسد، از خدا رویگردان می‌شود.

۲–چرا برخی انسان ها ، در برابر خیر و شری که به آنها می رسد، دو روش متفاوت پیش می گیرند؟

این به ایمان انسان بر می گردد.کسی که خدا را با جان و دل نپذیرفته و ایمان به خدا در متن زندگی‌اش قرار نداشته باشد، بسته به شرایط خدا را می پرستد. این افراد همانند کسانی هستند که در لبهٔ چیزی قرار گرفته‌اند که در آن چیز مستقر و پابرجا نیستند و با تکان مختصری از مسیر خارج می‌شوند.

آیا می توان تنها به جنبهٔ فردی توحید عملی معتقد بود ولی جنبهٔ اجتماعی آن را قبول نداشت؟

خیر- زیرا میان بُعد فردی و بُعد اجتماعی توحید رابطهٔ دو سویه وجود دارد. هر قدر که مردم یک جامعه به‌سوی توحید حرکت کنند، ارکان جامعه نیز بیشتر رنگ توحیدی به خود می‌گیرد؛ همان‌طور که هرقدر نهادهای اجتماعی در خدمت اجرای قوانین الهی باشند، زمینه برای رشد انسان‌ها و حرکت به‌سوی خداوند و بندگی موحدانه آسان‌تر می‌گردد.

بنابراین اگر نهادها و ارکان یک جامعه مانند ارکان سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و... توحیدی نباشد و جامعه بر اساس طاغوت اداره شود، بستر لازم برای حرکت انسان ها در مسیر توحید به سختی صورت خواهد گرفت. به عنوان مثال اگر اقتصاد یک جامعه بر اساس معاملات غیر شرعی و ربوی صورت گیرد، خواه نا خواه مال حرام وارد زندگی انسان ها می شود و آنها را از حرکت در مسیر توحید باز می دارد و یا اگر سیاست و حکومت یک جامعه طاغوت محور باشد، حاکمان آن جامعه مردم را به سوی گمراهی سوق می دهند. به این صورت که حکومت طاغوت، که جهان را به همین عالم ماده محصور می کند و قائل به ربوبیت خدا نیست، سعی می کند تا حقیقت انسان را به سطح همین بدن مادی فرو بکاهد و با تاکید صرف بر نیازهای مادی و لذت های دنیوی، پیوسته توجه انسان های تحت حکومت خود را به این نوع نیازها مشغول می دارد و معلوم است که در چنین حکومتی، موحد بودن در بعد فردی نیز بسی دشوار و مشکل است.

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

درس چهارم: فقط برای او

تدبر در قرآن ص۴۳

خدای بی‌نیاز که جز کمال و سعادت بندگانش را نمی‌خواهد، در کلامی به پیامبر می‌فرماید:

قُل اِنَّما اَعِظُکُم بِواحِدَةٍ اَن تَقوموا لِلّهِ مَثنیٰ وَ فرادیٰ... ۱

در آیاتی دیگر می فرماید:

اَلَم اَعهَد اِلَیکُم یا بَنی آدَمَ اَن لا تَعبُدُوا الشَّیطانَ اِنَّه لَکُم عَدُوٌّ مُبینٌ ۞ وَ اَنَ اعبُدونی، هٰذا صِراطٌ مستقیمٌ ۲

با تفکر در این آیات توضیح دهید که :

۱. مقصود از قیام جمعی و فردی چیست؟ برای هرکدام نمونه‌هایی ذکر کنید.

منظور این است که انسان‌ها به صورت فردی یا گروهی برای اجرای دستورات خداوند به‌پا خیزند و اقدام کنند.

نمونهٔ قیام‌های فردی: اقامهٔ نماز، مطالعهٔ کتاب‌های دینی، امر به معروف و نهی از منکر (تذکرات فردی) و ...

نمونهٔ قیام‌های گروهی: برپایی نماز جماعت، تشکیل حکومت اسلامی، جهاد، تشکیل گروه‌های خیریه، تشکیل گروه‌های جهادی برای سازندگی

۲. آیا میان عبارت «فقط مرا بپرستید» و «فقط برای خدا قیام کنید» رابطه‌ای می‌بینید؟ توضیح دهید.

بله، یکی از مصادیق بندگی و پرستش خدا، قیام و به‌پا خاستن برای خداست.

تفکر در حدیث ص ۴۵

امیرالمومنین علی علیه‌السلام می فرماید:

فاعِلُ الخَیرِ، خَیرٌ مِنهُ؛ وَ فاعِلُ الشَّرِّ، شَرٌّ مِنهُ.۱

در این سخن حکیمانه تفکر کنید و رابطهٔ آن را با اخلاص در اندیشه و قلب توضیح دهید.

این فرمایش امام علی علیه‌السلام بر این نکته تأکید دارد که انجام‌دهندهٔ کار خیر، از آن عمل خیر برتر است و انجام‌دهندهٔ کار شر از عملش بدتر و پست‌تر است.

اما رابطهٔ این سخن با موضوع اخلاص این است که از آنجا که هر کار خیری برآمده از اندیشه و باور قلبی خالصانه فاعل آن است، پس می توان گفت که در حقیقت این اندیشه و باور خالصانه فرد است که به کارش ارزش داده است پس جایگاه خود فرد نیکوکار از عملش برتر است.به عبارت دیگر این اندیشه و باور خالصانه آن فرد است که باعث می شود کار خیر انجام شود.

در نقطه مقابل نیز بایدگفت از آنجا که عمل شر برآمده از اندیشه ناسالم و قلب گنهکار و غیر خدایی فرد است پس فرد شرور بدتر و پست تر از عملش است.زیرا اگر این اندیشه و قلب ناسالم نبود، این عمل شر هم

تطبیق ص ٤٦

با توجه به تعریف بالا از حُسن فاعلی و حُسن فعلی، موارد زیر را بررسی کنید:

۱. آیا ممکن است عملی دارای حُسن فعلی باشد، اما حُسن فاعلی نداشته باشد؟ و یا برعکس، حُسن فعلی نداشته باشد ولی دارای حُسن فاعلی باشد؟ مثال بزنید.

بله. اعمالی هستند که حسن فعلی دارند مثلا فردی که مدرسه ای می سازد، عملش حسن فعلی دارد اما ممکن است همین عمل حسن فاعلی نداشته باشد.یعنی فرد این کار را برای خودنمایی و شهرت انجام داده باشد؛ پس ساخت مدرسه اگرچه حسن فعلی دارد اما حسن فاعلی ندارد.

از سوی دیگر ممکن است عملی حسن فاعلی داشته باشد اما حسن فعلی نداشته باشد. مثلا کسی برای رضای خدا می خواهد بین دو نفر که اختلاف پیدا کرده و سر مسأله ای دعوا دارند، داوری کند اما به دلیل جهل و ناآگاهی در داوری و قضاوت خود به خطا می رود و فرد بی گناه را گنهکار معرفی می کند.

۲. اگر فردی برای لاغر شدن یا سلامت جسم روزه بگیرد روزه اش درست است؟

خیر، در انجام اعمال عبادی حتماً باید آن‌کار را به نیت قرب الهی و عمل به دستور خداوند انجام دهیم.اگر کسی فقط به نیت سلامتی روزه بگیرد، روزه‌اش باطل است زیرا حسن فاعلی ندارد. انسان مؤمن روزه را برای عمل به فرمان خدا می‌گیرد و البته می‌داند که روزه برای سلامتی‌اش مفید است، اما نیت وی از روزه کسب سلامتی نیست، بلکه اطاعت از فرمان خداست. از این‌رو، اگر مثلاً کسی از ترس پدر و مادرش نماز بخواند، نمازش باطل است، چون حسن فاعلی ندارد. این مسئله شامل همهٔ فرامین و دستورات الهی می‌شود.

۳. اگر کسی به نیت نماز جماعت مسجد از منزل بیرون بیاید و به دلیل مانعی نتواند به مسجد برسد آیا نزد خدا پاداش دارد؟ به چه دلیل؟ در این کار کدام یک از اقسام حُسن وجود دارد؟

بله، قطعاً پاداشی که او می‌برد به اندازهٔ پاداش حضور وی در نماز جماعت است. دلیل آن، این است که وی نیت حضور در نماز جماعت را داشته و از آنجا که طبق فرمودهٔ پیامبر، نیت مؤمن از عمل او برتر است، پس او به دلیل نیتی که داشته، پاداش نماز جماعت را برده است.

«بررسی» ص٤٦

با توجه به اینکه ریا در مقابل اخلاص قرار می گیرد، بررسی کنید که هر یک از موارد زیر از مصداق ریا قرار می گیرد یا مصداق اخلاص؟

۱. حضور در نماز جماعت: این مسئله، دو وجه دارد. اگر نیت فرد از حضور در نماز جماعت، جلب رضایت الهی و قرب به خدا باشد، نماز او مصداق اخلاص است. اما اگر به قصد موجه جلوه دادن خود و ظاهرسازی باشد، مصداق ریا است.

۲. پوشیدن لباس تمیز و زیبا برای حفظ احترام به خود: این عمل نه در زمره ریا قرار می گیرد و نه اخلاص.

۳. کمک به افراد نیازمند در حضور دیگران: اگر فرد به قصد جلب رضایت الهی به دیگران کمک کند این کار مصداق اخلاص است و حتی علنی کردن کمک به دیگران لطمه‌ای به پاداش وی نمی‌زند، حتی اگر این علنی کمک کردن موجب تشویق و ترغیب دیگران به کمک به فرد نیازمند شود، بهتر هم هست. اما اگر فرد به قصد خودنمایی در حضور دیگران کمک کند، مصداق ریا است.

«بررسی» ص٤٨

اگر شخصی تصمیم بگیرد کاری را به خاطر خدا انجام دهد، امّا نسبت به ارزش و عواقب آن کار معرفت نداشته باشد، چه نتیجه ای حاصل می شود؟

ممکن است به دلیل جهالت نسبت به زوایای آن مساله و عدم آگاهی از نتایج آن، آسیب های زیادی هم به خود و هم به اطرافیان خود وارد کند.

«بررسی» ص ۵۰

یکی از اوصافی که خداوند برای حضرت یوسف علیه‌السلام ذکر کرده، داشتن اخلاص و رسیدن به مقام مخلَصین است.[۱]

با بررسی آیات ۳۲ و ۳۳ سورهٔ یوسف بگویید شیطان چه دامی برای یوسف علیه‌السلام گسترده بود و او چگونه توانست از این دام نجات یابد؟

قبل از پاسخ به پرسش این فعالیت، لازم است همکاران به این نکته توجه کنند:

در قرآن کریم، هم اصطلاح «مخلِص» به کار رفته و هم «مخلَص». در آیهٔ ۲ سورهٔ زمر، عبارت «.. مخلِصًا له الدین» آمده و در آیهٔ ۲۴ سورهٔ یوسف، عبارت «انه من عبادنا المخلَصین» به کار رفته که حاکی از مقام حضرت یوسف علیه‌السلام است. انسان «مخلِص»، انسانی است که مراتب اولیهٔ اخلاص را طی می‌کند و در حال خالص کردن خود برای خداست. انسان «مخلَص»، انسانی است که از این مراتب اولیه گذشته و اکنون خداوند او را خالص برای خود برگزیده است. کسی که به این مرتبه از اخلاص برسد، از نفوذ شیطان مصون می‌ماند و شیطان نمی‌تواند او را وسوسه کند و بلغزاند.

با توجه به آیات ۳۲ و ۳۳ سورهٔ یوسف، دانش‌آموزان ماجرای هوس زلیخا را که دام شیطان برای گمراهی حضرت یوسف علیه‌السلام بود، بیان می‌کنند.

توجه و درخواست حضرت یوسف علیه‌السلام از خداوند و پناه بردن به سوی او، باعث نجات وی شد.

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

درس پنجم : قدرت پرواز

تدبر در قرآن«۱» ص۵۷

پس از ترجمه آیات زیر در آن تأمل کنید و توضیح دهید چگونه محتوای این آیات می تواند نشانی از وجود اختیار در انسان باشد؟

قَدْ جَاءَكُمْ بَصَائِرُ مِن رَّبِّكُمْ ....

فَمَنْ أَبْصَرَ فَلِنَفْسِهِ ....

وَ مَنْ عَمِيَ فَعَلَيْهَا ...[1] ....

ذَالِكَ بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيكُمْ ....

وَ أَنَّ اللهَ لَيْسَ بِظَلَّامٍ لِّلْعَبِيدِ[2] ....

آیهٔ ۱۰۴ سورهٔ انعام بیانگر این است که خداوند رهنمودها و دلایل روشن خود را برای ما انسان‌ها می فرستد و این انسان است که باید بر اساس تفکر و تصمیم با این رهنمودها مواجه شود. او هم می تواند این دلایل روشن را نادیده بگیرد و تصمیم به مخالفت و نادیده گرفتن آنها بگیرد و هم می تواند با تفکر و تصمیم درست، دست به انتخاب صحیح زند، و به نفع خویش گام بردارد. اشاره آیه به داشتن قدرت تفکر و تصمیم گیری نشانه ای از اختیار انسان است.

هم چنین آیهٔ ۱۸۲ آل‌عمران، اشاره به این نکته دارد که انسان مسئول اعمال خویش است و عذاب اخروی وی نتیجه اعمالی است که در دنیا انجام داده است. اشاره خداوند به این مطلب نشان از اختیار انسان است. زیرا اگر انسان اختیاری در انجام اعمال خود نداشت یقینا مسئول کردار خود نیز نبود و نباید به خاطر این رفتارها مجازات می شد.

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

پس از ترجمهٔ آیهٔ زیر، در آن تدبّر کنید و به سؤال های زیر پاسخ دهید:

اللَّهُ الَّذِی سَخَّرَ لَکُمُ الْبَحْرَ لِتَجْرِیَ الْفُلْکُ فِیهِ بِأَمْرِهِ وَ لِتَبْتَغُوا مِن فَضْلِهِ وَ لَعَلَّکُمْ تَشْکُرُونَ[1]

۱.مقصود از رام و مسخربودن دریاها چیست؟

منظور قانونمندبودن دریاست است؛ یعنی، دریا همچون سایر مخلوقات تابع قوانین مشخصی است که ما انسان ها با شناخت آنها ، می توانیم آنها را به خدمت بگیریم .برخی از این قوانین توسط دانشمندان کشف شده است.

۲. چرا کشتی ها می توانند در دریا حرکت کنند؟

چون بر دریا قانون حاکم است و براساس همین قوانین ثابت و مشخص است که انسان‌ها متوجه می‌شوند که باید چگونه وسیله‌ای بسازند که در آب دریا غرق نشود.

۳.چرا انسان می تواند با اختیار خود به جستجو در دریا بپردازد؟ زیرا انسان می‌داند که اگر قانون حاکم بر مخلوقات و از جمله دریا را کشف کند و از آن استفاده کند، می‌تواند به نتیجه برسد.

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

إِنَّا كُلَّ شَيْءٍ خَلَقْنَاهُ بِقَدَرٍ[1]؛ .....

بگویید چه تقدیراتی در موارد زیر به کار رفته است؟ به هم خوردن این تقدیرات چه عواقبی به دنبال دارد؟

الف) جوانه زدن یک گیاه تا تبدیل شدن آن به گل
ب) تابش خورشید به اندازه ای که زمین و ساکنان زمین از آن بهره ببرند.
ج) برنامه‌ریزی یک دانش‌آموز سال دوازدهم برای قبولی در رشته موردنظر

الف) برای جوانه زدن یک گیاه هم تقدیرات یا همان ویژگی های خود گیاه باید مورد توجه قرار گیرد و هم تقدیرات محیط پیرامونی گیاه. منظور از تقدیرات خود گیاه همان ویژگی های اختصاصی هر گیاه است. مثلا این که چه مدت زمان می برد تا دانه این گیاه جوانه بزند و یا چه مدت طول می کشد تا جوانه این گیاه سر از خاک بیرون آورد و...

منظور از تقدیرات محیطی نیز همان میزان دمای محیط، میزان آب مورد نیاز، میزان تابش نور خورشید و... می باشد.

مسلما اگر این تقدیرات به هم بخورد یعنی به عنوان مثال اگر گیاهی که نیاز به آب اندکی برای رشد دارد و یا باید در محیط هایی با نور اندک رشد کند در شرایط دیگری قرار گیرد قطعا موجب از بین رفتن آن گیاه می شود.

ب) تقدیراتی که می توان برای تابش خورشید در نظر گرفت فاصله و میزان تابش خورشید است. یعنی فاصله خورشید از زمین به قدری است که دمای آن قابلیت وجود حیات را به این کره خاکی داده است. اگر این فاصله کم تر و یا بیشتر می شد یقینا به دلیل گرمای بسیار و یا سرمای فراوان، امکان زیست بر روی زمین فراهم نبود. هم چنین تابش خورشید به گونه است که تقریبا نیمی از شبانه روز بر بخش های مختلف زمین می تابد.

ج)یک دانش آموز برای قبولی در رشته مورد نظر خود باید هم به ویژگی های درونی خود توجه کند و هم به ویژگی های محیط اطراف خود. مثلا باید به استعداد و توانایی های خود و یا حتی نوع مزاج خود توجه کند. هم چنین به برخی تقدیرات محیطی نیز توجه داشته باشد. مثلا این که طبق تقدیر الهی شب مایه سکون و آرامش است و بدن انسان نیاز به استراحت در شب دارد. و یا این که صبح هنگام،ذهن انسان آمادگی بیشتری برای درک و یادگیری دارد و یا ورزش تاثیر بسزایی در بالا بردن میزان یادگیری انسان دارد.مسلما بی توجهی به این نکات قدرت یادگیری انسان را کاهش می دهد

۲-اگر دانش آموزی بخواهد براساس آیه فوق برای قبولی در رشته مورد نظر برنامه ریزی کند، به چه تقدیراتی در وجود خود و پیرامون خود باید توجه کند؟

پاسخ این سوال به نوعی در قسمت ج داده شده است. اما از آنجا که معمولا دانش آموزان شکست های خود در عرصه تحصیل را به بیرون از خود نسبت می دهند، این سوال مجدد تکرار شده است تا تاکیدی بر این مطلب باشد که بی توجهی انسان به ویژگی ها و تقدیرات علت اصلی شکست های او هستند

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

«بررسی» ص ٦٤

* با اینکه قضای الهی و اختیار، هر دو، چه در موفقیت ها و چه در شکست های انسان نقش دارند، چرا برخی انسان ها می کوشند شکست های خود را به قضا و قدر الهی نسبت دهند؟

این فعالیت برای آن است که دانش‌آموزان به یک آسیب اجتماعی توجه کنند و همان‌طور که پیروزی‌ها را به خود نسبت می‌دهند، مسئولیت شکست‌های خود را هم بپذیرند و آن را به عاملی بیرون از خود مانند قضا و قدر نسبت ندهند.

پاسخ این فعالیت این است که معمولاً آدم‌ها نمی‌خواهند بپذیرند که خودشان علت شکست‌های خود بوده‌اند و تصمیم‌های غلط آنها باعث شده که فلان حادثه و اتفاق پیش بیاید و نتوانند موفق شوند.

اما اینکه در سؤال آمده است که شکست‌ها و موفقیت‌ها، هم به قضای الهی بستگی دارد و هم به اختیار ما، بدین معناست که خداوند نظام جهانی را به‌گونه‌ای تقدیر کرده و سامان داده است که مثلاً اگر کسی از کوه پرت شود آسیب‌هایی بر او وارد شود و اگر ابزار و وسایل کوهنوردی را همراه داشته باشد، کمتر آسیب ببیند یا اصلاً آسیب نبیند. حال اگر کسی از ابزار کوهنوردی استفاده نکرد و دچار آسیب شد، این آسیب‌دیدگی هم به قضا و قدر الهی مربوط است و هم به تصمیم‌های اختیاری او.

درس ششم: سنت های خداوند در زندگی

تدبر در قرآن ص۷۳-۷۱

با تفکر در آیات صفحه قبل، پیام های زیر را تکمیل کنید:

۱.هر انسانی در زندگی خود همواره به وسیله امور شر یا با امور خیر در معرض امتحان و آزمایش قرار می‌گیرد.

سوره انبیاء، آیه ۳۵

۲.هر کس ادعای ایمان کند مورد آزمایش قرار می گیرد.

سوره عنکبوت،آیه ۲

۳.رحمت واسعه الهی به همه افراد جامعه، چه نیکوکار و چه بدکار تعلق می گیرد

سوره إسراء، آیه ۲۰

۴. خداوند کسانی را که در راه او گام بر می دارند، به طور خاص هدایت می کند.

سوره عنکبوت،آیه ۶۹

۵.خداوند به کافران مهلت می دهد و آنان از این مهلت در جهت افزایش گناه استفاده می کنند.

سوره آل عمران،آیه ۱۷۸

۶.برخی گناهکاران به دست خویش خود را در معرض هلاکت قرار می دهند و به تدریج گرفتار عذاب می‌شوند.

سوره اعراف، آیه ۱۸۲

۷.خداوند پاداش کار نیک را چند برابر و کیفر کار بد را به اندازه خودش می دهد و این نشانه لطف و رحمت الهی است.

سوره انعام آیه ۱۶۰

۸. مطابق قانون الهی، آینده انسان بر اساس رفتار خوب یا بد انسان ها رقم می خورد

سوره اعراف، آیه ۹۶

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

تفکر در متن ص ۷۶

* چه تفاوت‌هایی میان کسی که مصیبت و گرفتاری را امتحان الهی می‌داند با کسی که آن را یک پیشامد طبیعی می‌شمارد، وجود دارد؟

۱.کسی که مصیبت را امتحان الهی می داند در برابر مصیبت صبر و شکیبایی می ورزد، اما کسی که اعتقادی به این مسأله ندارد، بی‌تابی می‌کند و تحمل مواجه شدن با مصیبت را ندارد.

۲. کسی که مصیبت و گرفتاری را امتحان الهی می‌داند،گرفتار یأس و نا امیدی نمی شود زیرا می داند خداوند همه این سختی و مشقات را به بهترین شکل جبران می‌کند اما کسی که این نگاه را ندارد سریع دچار بحران‌های روحی، یأس و افسردگی می‌شود.

۳.کسی که مصیبت را امتحان الهی می‌داند مصیبت و گرفتاری را پله ای برای رشد معنوی خود می‌داند پس با مواجهه صحیح با این مصیبت بر ایمان خود می‌افزاید اما کسی که این نگاه را ندارد، با هر مصیبتی به خداوند گمان بد می برد و از خدا دورتر می‌شود.

پیام آیات ص ۷۹

۱.با توجه به آیه ۹۶ سوره اعراف تحلیل کنید که حکمت برخی پیشامدهای سخت و ناگوار در زندگی چیست؟

این آیه در فعالیت تدبر در قرآن ابتدای درس آمده است و در قسمت انتهایی آیه می‌فرماید: فاخذناهم بما کانوا یکسبون؛یعنی به واسطه آنچه انجام دادند، عقوبت شدند.یعنی برخی از پیشامدهای سخت و ناگوار زندگی نتیجه اعمال ناپسند و گناهان خود انسان است.

۲. با توجه به آیات ۱۸۲ و ۱۸۳ سوره اعراف تحلیل کنید در چه صورتی وفور نعمت نشانه سنت استدراج است؟

در این آیات که در فعالیت تدبر در قرآن ابتدای درس گنجانده شده اند، بر این نکته تاکید شده است که سنت استدراج در خصوص کسانی است که اعتقادی به خدا و دستورات او ندارند(و الذین کذبوا بآیاتنا). بنابراین صرف وفور نعمت دلیل بر گرفتار شدن به استدراج نیست بلکه اگر کسی غرق در نعمت باشد و در همان حال بی اعتقاد به خداوند و دستورات او باشد، او گرفتار استدراج شده است. حضرت علی علیه السلام نیز در این خصوص

درس هفتم : بازگشت

بررسی

با توجه به آنچه در سال‌های قبل دربارهٔ «نفس امّاره» و «نفس لوّامه» و «خودِ دانی» و «خودِ عالی» آموخته‌اید، به سؤال‌های زیر پاسخ دهید :

۱ــ مقصود از انقلاب علیه خود چیست؟ کدام خود، علیه دیگری انقلاب می کند؟

.....

۲ــ انقلاب علیه خود در چه صورتی پسندیده و در چه صورتی ناپسند است؟

.....

پاسخ ۱) با توجه به آنچه دانش آموزان در پایه یازدهم درخصوص خود عالی و خوددانی در درس عزت نفس خوانده اند و همچنین آنچه درخصوص نفس اماره و نفس لوامه در درس پر پرواز در پایه دهم آموخته اند، پاس این سؤال را این گونه میتوان داد که منظور از انقلاب علیه خود این است که یکی از این دو خود (خود عالی یا دانی) علیه خود دیگر قیام کند و او را به کنار بزند. به عنوان مثال اگر انسان با پیروی از نفس اماره، تن به تمایلات ناپسند دهد و آلوده به گناه شود، علیه گرایشات عالی خود یا همان خود عالی قیام کرده است. از سوی دیگر اگر انسان علیه تمایلات ناپسند خود قیام کند، خود عالی او علیه خود دانی وی انقلاب کرده است.

پاسخ ۲) وقتی خود عالی انسان علیه خود دانی قیام کند و یا به عبارت دیگر نفس لوامه انسان بر نفس اماره اش غلبه کند، این قیام و انقلاب پسندیده و در صورت عکس آن، ناپسند است.

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

درس هشتم : احکام الهی در زندگی امروز

تدبّر در قرآن

با تدبر در آیهٔ شریفهٔ صفحهٔ قبل به سؤال‌های زیر پاسخ دهید :

۱ــ زندگی محکم و استوار بر چه پایه‌هایی بنا می‌شود؟

.....

۲ــ مقصود از بنای زندگی بر لبهٔ پرتگاه چیست؟

.....

۳ــ چرا خداوند کسانی را که زندگی خویش را بر لبهٔ پرتگاه بنا کرده‌اند، ظالم نامیده است؟ اینان در حقیقت به چه کسانی ظلم کرده‌اند؟

.....

پاسخ ۱) تقوا و خشنودی خداوند

پاسخ ۲) یعنی انسان به جای اینکه سبک زندگی خود را بر مبنای دین و دستورات الهی قرار دهد که پشتوانه ای محکم و قابل اعتماد است، هوی و هوس و مکاتب دنیوی را مبنا و معیار زندگی خود قرار دهد که سرانجام تاریک به دنبال دارد.

پاسخ ۳) چون این افراد حداقل به خود و زندگی خود ظلم میکنند زیرا با انتخاب مسیری نادرست، عقوبتی دردناک را برای خود رقم می زنند و آخرتی تباه شده را برای خود به وجود می آورند.

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

بررسی

برخی می‌گویند : «ما از کالای ایرانی استفاده خواهیم کرد به شرطی که بهتر یا هم‌ردیف کالای خارجی باشد.» نظر شما در این باره چیست؟

۱ــ آیا برخی از کالاهای خارجی با کیفیتی که می خریم، از روز اول همین کیفیت را داشتند؟ مثلاً میدانید که همین کره، ۱۷سال واردات لوازم خانگی را ممنوع کرد تا ال جی و سامسونگ به اینجا رسیدند؟ اگر کالاهای داخلی خریداری نشوند،

۲ــ خیلی از افرادی که میگویند ما فقط جنس خارجی میگیریم چون جنس ایرانی کیفیت ندارد و جنس خارجی کیفیتش خوب است نمیدانند که بسیاری از این اجناس به اصطلاح خارج، در داخل تولید شده است و تنها برچسب خارجی خورده است. پس چطور است که خیلی از جنس های ایرانی را فقط با زدن یک بر پسب تقلبی خارجی به چند برابر قیمت میخریم و افتخار میکنیم که مارک معروف خریدیم و از کیفیتشم هم شکایتی نمیکنیم؟!

درس نهم : پایه های استوار

تدبّر در قرآن (۱)

...مَن آمَنَ بِاللّٰهِ وَ الیَومِ الآخِرِ وَ عَمِلَ صالِحًا فَلَهُم اَجرُهُم عِندَ رَبِّهِم وَ لا خَوفٌ عَلَیهِم وَ لا هُم یَحزَنونَ[۲]

در این آیه به دو اصل اساسی اعتقادی که دو معیار تمدن اسلامی نیز به‌حساب می‌آیند، اشاره شده است. آن دو معیار کدام‌اند؟

معیار اوّل : .....

معیار دوم : .....

ایران توشه

پاسخ اول) همان گونه که بیان شد اصل توحید محوری و اصل آخرت گرایی است. یا اصل توجه به خدا و توجه به جهان آخرت و یا اصل توحید و اصل معاد

پاسخ دوم) در تمدن برآمده از توحید خدا ناظر بر اعمال ماست و جلب رضایت او غایت انسان، از این رو هر آنچه موجب غضب او شود در هر عرصه ای که باشد، اعم از اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و... مردود است در تمدن برآمده از توجه به جهان آخرت، لذت ها به لذت های مادی محدود نمی شود، بلکه انسان برای کسب لذت های ماندگار اخروی نیز تلاش میکند. در تمدن توحیدی تمامی مخلوقات نشانه خدا و امانت او در دست انسان هستند نه منبعی برای چپاول و غارت، از این رو نوع تعامل این تمدن با طبیعت و محیط اطراف متفاوت است

تدبّر در قرآن (۲)

یا اَیُّهَا الَّذینَ آمَنوا اَطیعُوا اللّٰهَ وَ اَطیعُوا الرَّسولَ وَ اُولِی الاَمرِ مِنکُم...[۱]

با توجه به آیهٔ شریفه و عبارت‌های درس، معیار سوم تمدن اسلامی کدام است؟

معیار سوم : .....

معیار سوم همان اطاعت از خدا و رسول و امام است.

تدبّر در قرآن (۳)

لَقَد اَرسَلنا رُسُلَنا بِالبَیِّناتِ وَ اَنزَلنا مَعَهُمُ الکِتابَ وَ المیزانَ لِیَقومَ النّاسُ بِالقِسطِ ...[۱]

با توجه به این آیهٔ شریفه و عبارات قبل، معیار دیگری از معیارهای موردنظر پیامبر اسلام برای تشکیل تمدن اسلامی را ذکر کنید.

معیار چهارم : .....

پاسخ) درمی یابیم که یکی از معیارهای تمدن متعالی، حاکمیت عدالت در روابط میان انسانها، به خصوص در روابط اقتصادی و سیاسی و طرد ظلم و بی عدالتی از جامعه است

تدبّر در قرآن (۴)

با تفکر در این آیه معیار پنجم تمدن اسلامی را ذکر کنید.

وَ مِن آیاتِهِ اَن خَلَقَ لَکُم مِن اَنفُسِکُم اَزواجًا لِتَسکُنوا اِلَیها وَ جَعَلَ بَینَکُم مَوَدَّةً وَ رَحمَةً اِنَّ فی ذٰلِکَ لَآیاتٍ لِقَومٍ یَتَفَکَّرونَ[۲]

معیار پنجم : .....

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

۲ــ این آیات دربردارنده پیامهای متعددی است که برخی اشاره می شود:

* اینکه خداوند بین زن و مرد جاذبه و کشش قرار داده، یکی از آیات الهی است. اگر این گونه نبود خانوادهای تشکیل نمیشد و نسل آدمی از بین نمیرفت.

* از تعبیر «من انفسکم» این پیام برداشت میشود که زنان نیز از جنس مردانند و این نفی کننده نگاه برخی مکاتب به زنان و پست دانستن خلقت آنان است. از عبارت «لتسکنوا» این نکته برداشت میشود که هدف ازدواج رسیدن به آرامش است پس دختر و پسر باید معیار اصلی خود را انتخاب فردی قرار دهند که با وی به آرامش برسند.

تدبر در قرآن (۵)

... قُل هَل یَستَوِی الَّذینَ یَعلَمونَ وَ الَّذینَ لا یَعلَمونَ اِنَّما یَتَذَکَّرُ اُولُوا الاَلبابِ[۲]

با توجه به این آیهٔ شریفه و عبارات قبل، معیار دیگری از تمدن موردنظر پیامبر اسلام را ذکر کنید :

معیار ششم : .....

پاسخ: یکی از معیار های تمدن متعالی اسلام، عقل گرایی است. در این تمدن برای تفکر و دانایی ارج و منزلت قائلند و اهل خرد و عالمان و دانشمندان در جامعه از جایگاهی ویژه برخوردارند.

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

درس دهم : تمدن جدید و مسوولیت ما

تدبّر در قرآن

اُدعُ اِلیٰ سَبیلِ رَبِّکَ — به راه پروردگارت دعوت کن

بِالحِکمَةِ وَ المَوعِظَةِ الحَسَنَةِ — با دانش استوار و اندرز نیکو

وَ جادِلهُم بِالَّتی هِیَ اَحسَنُ...[۲] — و با آنان به شیوه‌ای که نیکوتر است، مجادله نما...

با تدبیر در آیهٔ شریفه، روش‌های صحیح دعوت را استخراج کنید :

روش اول :.....

روش دوم :.....

روش سوم :.....

در این آیه امر شده که از سه روش برای دعوت به دین استفاده شود:

۱ــ بهره مندی از حکمت و استدلال در هنگام دعوت

۲ــ استفاده از موعظه حسنه و اندرز نیکو

۳ــ استفاده از جدال احسن و بهتر، هنگام بحث و مناظره حکمت دانشی است که بر استدلال های متین و محکم استوار است و شک و تردید را از بین می برد و جا برای ظن و گمان نمیگذارد. موعظه و اندرز، آن هم بهترین موعظه ها، روشی است که عقل عملی فرد را به سمت انتخاب موضع صحیح سوق میدهد و بر قلب و جان مخاطب اثر میگذارد. جدال روشی است که شخص از مقبولات طرف مقابل استفاده میکند تا او را در بحث محکوم نماید، چه این مقبولات صحیح باشند و چه نباشند. اما جدال احسن که قرآن کریم از مؤمنان میخواهد، جدالی است که در آن شخص باید فقط از مقبولاتی بهره ببرد که صحیح باشند.